

**کارگاه فنی مدیریت، بهره‌برداری و نگهداری  
شبکه‌های آبیاری و زهکشی  
۱۴ دی ماه ۱۳۸۵**

**زمینه‌ها و چالش‌های قانونی در انتقال مدیریت شبکه‌های آبیاری به  
تشکل‌های آب‌بران  
(مطالعه موردی: شبکه آبیاری دشت قزوین)**

مهرداد شیخ حسینی<sup>۱</sup>، عبدالامیر کاکاجی<sup>۲</sup>، سیداحمد سینائی<sup>۳</sup>

**۱- مقدمه**

در ایران نظام‌های صنفی همواره مربوط به مشاغل صنعتی و پیشه‌وری بوده است که در شهرها متمرکز بوده‌اند و در بیشتر متون، واژه صنف و گروه‌های شهری در کنار یکدیگر استفاده شده‌اند. متأسفانه کشاورزان و صنعت‌گران روستائی از همان آغاز فاقد تشکل بوده‌اند. این ضعف در شکل‌پذیری گروه‌های کشاورزان هنوز هم ادامه دارد و به همین دلیل می‌توان گفت گروه‌های کشاورزی کمترین قدرت را در شاخص‌های سیاسی و قانونگذاری کشور در تمامی اعصار داشته و دارند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بخش کشاورزی ایران از نظر تعداد و تنوع تشکل‌های اجتماعی- صنفی ضعیف‌ترین بخش اقتصادی و اجتماعی کشور بوده است. در مقایسه پیشه‌وران، بازرگانان و تجار از دوران باستان در جامعه ایران متشکل و صاحب نفوذ بوده‌اند.

با نگاهی به سیر تاریخی تدوین قوانین و آئین‌نامه‌های مرتبط با آب در می‌یابیم که به تدریج از اختیارات کشاورزان کاسته شده و به مسئولیت‌های دولت افزوده شده است. تحولات اجتماعی در دهه‌های اخیر از یک سو و توسعه طرح‌های آب و کشاورزی از سوی دیگر موجب گردیده که مسئولیت دولت در زمینه مدیریت مصرف آب گسترش یابد و به عبارت دیگر نقش مصرف‌کنندگان در این خصوص کمرنگ شود؛ اما تجربه این سال‌ها نشان داده که سازمان‌های دولتی و نهادهای وابسته به آنها در اعمال مدیریت مصرف آب کشاورزی چندان موفق نبوده‌اند. راندمان بسیار پایین آبیاری در تأسیسات مدرن، استهلاک شدید تأسیسات و عدم توجه به تعمیر و نگهداری آنها، بی‌نظمی در رعایت الگوی کشت و کاهش عملکرد

۱- کارشناس دفتر فنی شرکت آب منطقه‌ای قزوین E-mail: m.sheikhoseini @ yahoo.com

۲- سرپرست دفتر فنی شرکت آب منطقه‌ای قزوین

۳- کارشناس شرکت بهره‌برداری از شبکه آبیاری دشت قزوین

محصولات از جمله مشکلاتی است که پس از مدتی در شبکه‌های آبیاری بروز نموده است. در سال‌های اخیر و در برنامه‌های توسعه، دولت به اهمیت مشارکت مصرف‌کنندگان در مدیریت بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری توجه نموده و بدنبال راهکارهای آن بوده است. در این راستا شناسایی زمینه‌ها و چالش‌های قانونی در فرآیند شکل‌گیری و پایدار سازی تشکل‌های مصرف‌کنندگان آب می‌تواند در دستیابی به یک راهکار مناسب مفید واقع شود.

## ۲- مالکیت عمومی منابع آب

قدیمی‌ترین قوانین مربوط به مناطق آبی در قالب موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ ارائه گردیده است. مقررات حاکم بر مالکیت آب‌ها از زمان وضع قواعد اجتماعی توسط قانونگذاران تا سال ۱۳۴۷ تابع عموماً قانون مدنی بوده است. در این دوره اصل بر مالکیت عمومی تمام منابع آبی یعنی مباحات و مشترکات عمومی بوده، لذا هر کس می‌توانست در اراضی مباح از نهر یا رودخانه جوئی منشعب و از آن بهره‌برداری نماید. بنابراین همین که شخص این کار را انجام می‌داد مالکیت آب و نهر برای وی مستقر می‌گشت، و از این دیدگاه دولت یا حکومت نظارت و یا مالکیت بر منابع آبی از هر قبیل نداشت.

هر چند که منابع آبی متعدد و متفاوت هستند ولی برخی از آنها در دسترس و در اختیار عموم می‌باشند، مانند رودخانه‌ها یا چشمه‌سارها و برخی دیگر از این منابع آبی مستقیماً در اختیار عموم نمی‌باشند و افراد با تلاش و هزینه خود به این قبیل منابع آبی دسترسی پیدا می‌کنند، مانند چاه و قنات و همین گستردگی و تنوع منابع و بهره‌برداری از آنها در قالب قواعد قانون مدنی تحلیل شده است و لذا در هر صورت تفاوتی در کلیت مسئله نبوده و تمام منابع آبی اعم از سطحی یا غیر سطحی قابلیت استفاده همگانی داشته و هر کس می‌توانست به قدرالسهم خود از آنها بهره‌مند و منتفع گردد و هیچکس نمی‌توانست مزاحم یا مانع استفاده و انتفاع دیگری شود.

قانون اسلام، آب را ثروت عمومی و حق استفاده از آن راهمگانی اعلام و آن را جزء اموال عمومی به حساب می‌آورد. استفاده از رودخانه حق عموم مسلمین است و هر کس حق دارد به لحاظ اولویت و اقدمیت، نهری از رودخانه به منظور آبیاری زمین خود جدا کند، مشروط بر آنکه زیانی به ملک مجاور وارد نسازد، همچنین در شرع اسلام آب خرید و فروش نمی‌شود و فقط حق مجرا و حق استفاده از مجرای آن قابل فروش است و لذا پول بابت هزینه‌های فنی متحمل‌ه پیرامون آب اخذ می‌گردد.

## ۳- مالکیت خصوصی آب

در قانون مدنی که ام‌القوانین و از نخستین قوانین حقوقی کشور ما محسوب می‌گردد در ارتباط با مالکیت خصوصی بر منابع آب تا بدانجا پیش رفته که می‌گوید: هر گاه یک منبع آبی طبیعی در ملک کسی بوجود آید خواه بر اثر فعل یا بر اثر عوارض طبیعی، محکوم به مالکیت صاحب زمین است، لذا دیگران نمی‌توانند به استناد آنکه منابع آبی جزء مشترکات عمومی هستند از آن بهره‌مند باشند، مگر آنکه مالک راساً برای

دیگران عیناً یا انتفاعاً حق قرار داده باشد. قاعده مشترکات عمومی در مواردی قابل استناد است که منبع آبی در مالکیت شخص مستقر نشده باشد والا صرف آنکه یک منبع آبی موجود باشد دیگران حق ورود به ملک غیر را ندارند.

در ماده ۱۴۸ قانون مدنی آمده است « هر کس در زمین مباح نهری بکند و متصل کند به رودخانه، آن نهر را احیاء کرده و مالک آن نهر می‌شود» و در ماده ۱۶۰ در همین رابطه اشعار می‌دارد: «هر کس در زمین خود یا در اراضی مباحه به قصد تملک، قنات یا چاهی بکند تا به آب برسد یا چشمه جاری کند مالک آن آب می‌شود». خلاصه آنکه براساس قانون مدنی مالکیت منابع آبی با عمل اشخاص مستقر و نقشی برای دولت در مالکیت این منابع پیش بینی نشده است و این امر تا سال ۱۳۴۷ که مالکیت آب‌ها متحول گردیده ادامه یافت.

#### ۴- سیر تحولات در قانون آب

##### ● قانون اجازه تأسیس بنگاه آبیاری مصوب ۱۳۲۲/۲/۲۹ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۳۴/۵/۱۱

حسب قانون تأسیس بنگاه آبیاری، بنگاه مجاز شد با احداث تأسیسات آبی، آب را استحصال کرده و به زارعین بفروشد. این اولین اقدام قانونگذاری برای تحول مسئله مالکیت غیر خصوصی و تقریباً شبه دولتی است زیرا علاوه بر آنکه امکان فروش آب در ماده ۶ این قانون پیش‌بینی شده است، نظارت در کلیه امور آبیاری کشور از قبیل تأسیسات آبیاری، ساختمان‌ها و تقسیم آب رودخانه‌ها و انهار عمومی، استخرهای عمومی و چشمه سارهای عمومی که آب آنها به مصرف زراعت می‌رسد با رعایت قانون مدنی به مقدار حقایق و مطابق عرف محل به عهده بنگاه آبیاری گذاشته شد (ماده سوم اصلاحیه همین قانون) و در ماده ۵ اصلاحیه گفته شده « استفاده از آب رودخانه‌ها بوسیله ساختمان سد یا نصب تلمبه از منابع آب‌های سطحی باید با اجازه قبلی بنگاه باشد».

نتیجه اینکه با تصویب قانون تأسیس بنگاه آبیاری، جنبه خصوصی آبیاری محدود به انهار سنتی کوچک گردید و با توجه به لزوم کسب مجوز برای انجام عملیات عمرانی، نظارت و حق فروش آب توسط بنگاه، حدود اختیارات مالکین به نحو مؤثری کاهش یافت؛ البته ضرورت زمانی این تحول بعلت شرایط اجتماعی آن دوران کاملاً محسوس می‌باشد. بتدریج روند دخالت دولت در منابع آب کشور منتهی به تفکر جدیدی شد که حاصل آن تصویب قانون تشکیل وزارت آب و برق در مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۲ با وظایف زیر بود:

الف) تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مربوط به تأمین آب و انتقال آن به مراکز عمده مصرف.

ب) اداره تأسیساتی که طبق بند الف این ماده ایجاد می‌شود و بهره‌برداری از آنها.

ج) نظارت بر نحوه استفاده از منابع آب کشور و...

با عنایت به اهداف فوق، اختیارات وزارتخانه و مؤسسات دولتی و شهر داری تهران و سازمان برنامه تدریجاً طبق تصویب نامه هیئت وزیران به وزارت آب و برق واگذار گردید، بنابراین با تأسیس وزارت آب و برق دخالت دولت در تهیه برنامه‌ها، نظارت بر منابع آب و اداره امور بهره‌برداری بیش از پیش گردید.

### ● قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷/۴/۲۷

در مورخ ۱۳۴۷/۴/۲۷ قانون آب و نحوه ملی شدن آن از تصویب قانونگذار گذشت، این قانون علاوه بر آنکه مالکیت منابع آب را از حالت خصوصی خارج نمود، به علت ملی بودن آب، دولت را به عنوان نماینده اجتماع و متکفل امر ساماندهی بهره‌برداری از آب‌های مختلف کشور ساخت و در این راستا ماده ۱ قانون اشعار می‌دارد:

«کلیه آب‌های جاری در رودخانه‌ها و انهار طبیعی و دره‌ها و جویبارها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و... ثروت ملی محسوب و متعلق به عموم است» و در فراز دوم ماده ۱ وظیفه حفاظت و بهره‌برداری این منابع را به دولت محول نموده می‌گوید:

«مسئولیت حفظ و بهره‌برداری این ثروت ملی و احداث و اداره تأسیسات توسعه منابع آب به وزارت آب و برق محول می‌شود».

### ● قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۱

اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد: نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل... تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی... و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

در قانون اساسی علاوه بر آنکه تصدی منابع و تأسیسات آبی را با دیدگاه استفاده بهینه توسط بخش دولتی مد نظر داشته، ابعاد دیگر مطلب یعنی کسب درآمد برای دولت در جهت اهداف اقتصادی و درآمدی را از نظر دور نداشته است. همچنین در باره علل توجه قانونگذار به منابع آبی چنین آورده‌اند:

«آب و برق و تأسیسات و شبکه‌های مربوط به آن نیروهای عمده‌ای هستند که زندگی مردم و کلیه تأسیسات اقتصادی و اجتماعی جامعه بدان متکی است و کمترین نقصان و یا اختلال در آنها اثرات تخریبی زنجیره‌ای و مرتبط با تمام شئون فردی و اجتماعی به جای می‌گذارد».

اصل ۴۴ قانون اساسی «تأمین نیرو و شبکه‌های بزرگ آبرسانی» را به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قرار داده است.

### ● قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶

براساس ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب مستند بر ماده ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آب از مشترکات بوده و در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران است. حسب بند (ز) از ماده ۲۹ قانون فوق «کنترل و نظارت بر چگونگی و میزان مصارف آب و در صورت لزوم جیره‌بندی آن عهده وزارت نیرو واگذار شده است. بر اساس تبصره ذیل همین ماده «ایجاد شبکه‌های آبیاری ۳ و ۴ و تنظیم و انتقال آب از

آنها تا محل‌های مصرف با وزارت کشاورزی است». همچنین طبق بند ب همین ماده «تنظیم و انتقال آب با ایجاد تأسیسات آبی و کانال‌ها و خطوط آبرسانی و شبکه‌های آبیاری ۱ و ۲ عهده وزارت نیرو می‌باشد». در ماده ۳۳ همین قانون آمده است «وزارت نیرو موظف است نرخ آب را برای مصارف شهری و کشاورزی و صنعتی و سایر مصارف با توجه به نحوه استحصال و مصرف برای هر یک از مصارف در تمام کشور به شرح زیر تعیین و پس از تصویب شورای اقتصاد وصول نماید».

الف) در مواردی که استحصال آب بوسیله دولت انجام پذیرفته و به صورت تنظیم شده در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد نرخ آب با در نظر گرفتن هزینه‌های جاری از قبیل: مدیریت، نگهداری، تعمیر، بهره‌برداری و هزینه استهلاک تأسیسات و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی هر منطقه تعیین و از مصرف‌کننده وصول می‌شود.

ب- در مواردی که استحصال آب بوسیله دولت انجام نمی‌پذیرد، دولت می‌تواند به ازاء نظارت و خدماتی که انجام می‌دهد و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی هر منطقه در صورت لزوم عوارضی را تعیین و از مصرف‌کننده وصول نماید.

#### ● قانون تثبیت آب بهای زراعی مصوب ۱۳۶۹/۶/۱۴

در قانون تثبیت آب بهای زراعی حسب ماده واحده آمده است «از تاریخ تصویب این قانون آب بهای دریافتی از کشاورزان و زارعین با توجه به اولویت تخفیف برای زراعت‌های استراتژیک به شرح زیر است:

- ۱- متوسط آب بها از آب‌های تنظیم شده و شبکه‌های مدرن ۳٪ محصول کاشت شده؛
- ۲- متوسط آب بها از آب‌های تنظیم شده و کانال‌های تلفیقی ۲٪ محصول کاشت شده؛
- ۳- متوسط آب بها از آب‌های تنظیم شده و کانال‌های سنتی ۱٪ محصول کاشت شده».

#### ۵- قوانین و سیاست‌های دولت در خصوص مشارکت آب بران در مدیریت آب

خوشبختانه در چند سال اخیر رویکردهای توسعه‌ای از متمرکز به غیر متمرکز و تأکید دولتمردان بر نقش برجسته و انکارناپذیر مشارکت مردم در فعالیتهای توسعه‌ای و خدمات مربوط به خودشان و گسترش مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و مردم سالاری، باعث شده است که زمینه لازم برای شکل‌گیری تشکل‌های مردمی و گسترش آنها در کشور بوجود آید. در گزارش پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار جلب مشارکت کشاورزان در امر نگهداری و بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری مطرح شده و اشعار می‌دارد:

«برای نگهداری و بهره‌برداری بهتر از شبکه‌های آبیاری و زهکشی، وزارت نیرو با همکاری دستگاه‌های ذیربط در جهت ایجاد تشکل‌های لازم برای کشاورزان و جلب مشارکت آنان در امر نگهداری و بهره‌برداری از شبکه تلاش خواهد کرد».

در طول برنامه اول طبق ماده ۵ موافقت نامه وزرای کشاورزی، نیرو و سازمان برنامه و بودجه، سازمان‌های کشاورزی و آب منطقه‌ای موظف به ایجاد شرکت‌های غیر دولتی با ۵۱ درصد سهام خصوصی و ۴۹ درصد سهام مشترک بین دو نهاد فوق برای بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری گردیده و مقرر شد سهام خصوصی این شرکت‌ها متعلق به مصرف‌کنندگان آب باشد. براساس این موافقتنامه شرکت‌های فوق برای بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری در ۱۷ شبکه آبیاری کشور تشکیل شدند، لیکن هیچگاه سهام آنها به کشاورزان واگذار نشد.

در آئین‌نامه مصرف بهینه آب کشاورزی، مصوب ۱۳۷۵/۶/۱۱ هیأت وزیران، علاوه بر تحویل حجمی آب به کشاورزان براساس الگوی مصرف بهینه آب، حسب ماده ۵ وزارت کشاورزی مکلف شده ظرف مدت حداکثر ۲ سال، نسبت به ایجاد و سازماندهی تشکلهای قانونی مناسب در اراضی تحت پوشش شبکه‌های آبیاری، نظیر شرکت‌های تعاونی، کشت و صنعت تجاری، انجمن‌های بهره‌برداری و تشکلهای کشاورزی برای تحویل حجمی آب در منطقه تحویل به این نوع تشکلهای اقدام نماید؛ در این راستا وزارت نیرو مکلف شده ضمن همکاری با وزارت کشاورزی در جهت ایجاد تشکلهای فوق‌الذکر، نسبت به تحویل حجمی آب تنها به تشکلهای بهره‌برداری معرفی شده از طرف وزارت کشاورزی اقدام نماید.

در ماده ۱۰۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به ایجاد تشکلهای بهره‌برداری آب و مشارکت بخش غیر دولتی در نظام بهره‌برداری به شرح زیر تأکید شده است:

«به دولت اجازه داده می‌شود به منظور اجرای سیاست‌های صرفه‌جویی و هدایت مصرف‌کنندگان آب کشاورزی برای بهره‌برداری بهینه، آب را در انهار و شبکه‌های آبیاری و ایستگاه‌های پمپاژ و چاه‌های عمیق و نیمه عمیق براساس الگوی مصرف بهینه آب کشاورزی، نسبت به تدوین و اجرای نظام بهره‌برداری، مشارکت بخش غیر دولتی (حقا به داران و مالکان) و ایجاد تشکلهای بهره‌برداری آب و خاک اقدام نماید و برای این‌گونه مصرف‌کنندگان، براساس قانون تثبیت نرخ آب بهای زراعی قیمت‌گذاری نموده و تحویل دهد.

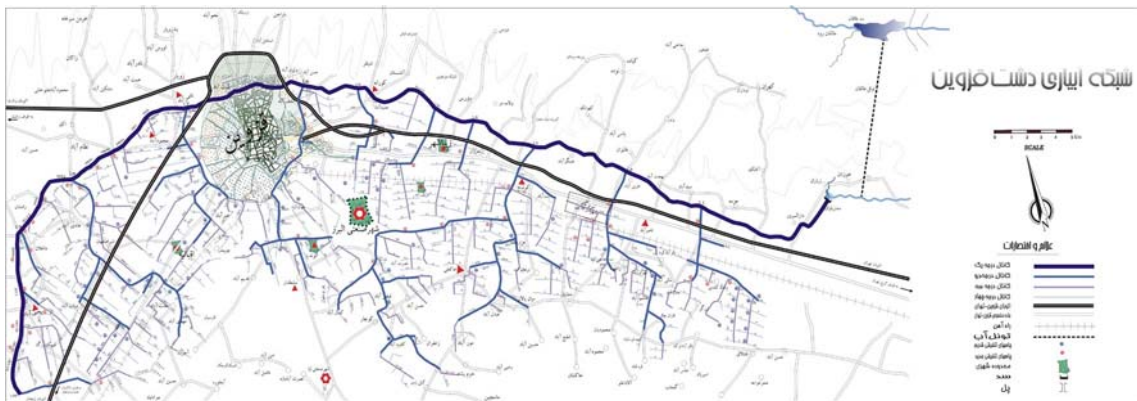
تبصره- به منظور بهره‌برداری اصولی از آب و حفظ ارزش واقعی آن و سهولت در نقل و انتقال آن، دولت موظف است نسبت به تهیه و صدور اسناد آب به حقا به داران و مالکان اقدام نماید».

همچنین در بند ۵ از ماده ۱۰۹ برنامه سوم، بر حمایت از ایجاد تعاونی‌های تولید کشاورزی و تشکلهای بهره‌برداری آب و خاک و منابع طبیعی تأکید گردیده است.

## ۶- روند شکل‌گیری تشکلهای آب بران شبکه آبیاری دشت قزوین

محدوده شبکه آبیاری دشت قزوین نواری از اراضی دشت به طول حدود ۱۰۰ کیلومتر و مساحت ناخالص حدود ۸۰ هزار هکتار از منطقه زیاران در شرق قزوین تا منطقه کهک واقع در غرب قزوین و نزدیکی تاکستان را در برمی‌گیرد. بهره‌برداری از شبکه از سال ۱۳۵۵ آغاز شده است. تأسیسات انحراف آب

رودخانه طالقان، شامل سد انحرافی سنگبان، تونل انتقال آب طالقان به زیاران، سد انحرافی زیاران و شبکه کانال‌های درجه ۱ و ۲ به ترتیب بطول ۹۴ و ۲۱۷ کیلومتر و به ظرفیت ۰/۶ تا ۳۰ متر مکعب در ثانیه و همچنین شبکه کانال‌های درجه ۳ و ۴ بطول حدود ۸۸۰ کیلومتر و با ظرفیت ۰/۱۷ تا ۱ مترمکعب در ثانیه احداث گردیده است. سد مخزنی طالقان با چندین سال تأخیر احداث و در سال ۱۳۸۵ بهره‌برداری از آن آغاز گردید. نقشه شماره (۱) موقعیت شبکه آبیاری دشت قزوین را نشان می‌دهد.



با اجرای قانون اصلاحات ارضی و حذف ارباب از سیستم مدیریت کشاورزی روستا، سازمان عمران قزوین برای سازماندهی کشاورزان و عمران روستاها و توسعه کشاورزی دشت قزوین تشکیل گردید و طرح آبیاری دشت قزوین با هدف تامین آب شرب و کشاورزی دشت و مدیریت منابع آب آغاز بکار نمود. در ابتدای بهره‌برداری از شبکه، افرادی محلی از سوی سازمان عمران قزوین انتخاب و به طرح آبیاری معرفی می‌شده‌اند. این افراد تحت نظر متخصصین سازمان عمران، ضمن دریافت آب از شبکه و توزیع آن بین کشاورزان، برنامه‌های کشت را توسط سایر زارعین اجرا می‌نمودند و خود ناظر بر انجام این عملیات بودند. پس از انقلاب اسلامی سازمان عمران حضور مستقیم خود را در روستاها کاهش داد و با تشکیل مراکز خدمات کشاورزی، نیروهای کارشناسی و امکانات خود را به این مراکز که در مراکز بخش‌های روستایی مستقر می‌گردید، گسیل نمود تا از نزدیک به ارائه خدمات به کشاورزان بپردازند. یکی از فعالیت‌های این مراکز، سازماندهی مجدد کشاورزان در تشکلهایی به نام شورای کشاورزی بود. این شوراها که رابط کشاورزان برای دریافت طرح کشت و نهاده‌های کشاورزی از مراکز خدمات بودند، به تدریج در روستاها فعال شده و غالباً جای سربنه‌ها را نیز گرفتند. شوراهای کشاورزی پس از مدتی کلیه فعالیت‌های تقسیم و توزیع آب در کانال‌های درجه ۳ و ۴ رابه عهده گرفتند و شبکه نقشی در توزیع آب در کانال‌ها نداشت.

طرح آبیاری دشت قزوین بعد از انقلاب اسلامی همچنان به فعالیت‌های خود به همان شکل سابق ادامه داد که بطور خلاصه شامل موارد زیر بود:

- تکمیل شبکه آبیاری دشت قزوین و ادامه پروژه حفر چاه‌های عمیق؛

- تأمین آب مشروب حدود ۱۵۰ روستا در سطح کل دشت؛
- بهره‌برداری از بیش از پانصد حلقه چاه عمیق کشاورزی؛
- بهره‌برداری از شبکه آبیاری دشت قزوین؛
- بررسی، حفاظت و مدیریت منابع آب.

از سال ۱۳۷۰ به تدریج تغییراتی در تشکیلات مدیریت کشاورزی و آبیاری دشت قزوین به وقوع پیوست که حاصل آن تغییر نام و وظایف سازمان‌های موجود به شرح زیر بود:

الف- سازمان عمران قزوین به سازمان کشاورزی تغییر نام یافته و مراکز خدمات کشاورزی را تحت پوشش قرار داد

ب- طرح آبیاری دشت قزوین به اداره کل امور آب منطقه قزوین تغییر نام داد و شرکت بهره‌برداری از شبکه آبیاری دشت قزوین به شکل سهامی خاص تشکیل گردید. این شرکت پس از مدتی فعالیت تحت پوشش اداره کل امور آب قزوین، از سال ۱۳۷۲ به صورت رسمی و مستقل شروع به کار کرد و با داشتن استقلال مالی و مدیریتی از سیاست‌های وزارت نیرو و سازمان آب منطقه‌ای تهران تبعیت می‌نمود.

به دلیل محدودیت‌های مالی و عدم امکان استخدام پرسنل جدید، شرکت بهره‌برداری از ابتدای تأسیس در فکر استفاده از میرآب‌های محلی بوده است و در همین رابطه در تعدادی از کانال‌های درجه ۲، افرادی را با معرفی کشاورزان به عنوان میراب محلی انتخاب و به عنوان همکار میراب شرکت به کار گمارد. پس از مدتی این میرآب‌ها توانستند به صورت مستقل و بدون نیاز به اعزام میراب شرکت وظایف خود را انجام دهند و اکثر قریب به اتفاق کانال‌های درجه ۲ به میرآب‌های محلی سپرده شد.

در سال ۱۳۷۶ مرحله دوم طرح «مطالعات نظام بهره‌برداری و مشارکت مردمی در شبکه آبیاری دشت قزوین» آغاز شد و اقداماتی به منظور ایجاد تعاونی‌های آبیاری در اراضی تحت پوشش کانال درجه دو L2 به مساحت حدود پنج هزار هکتار صورت گرفت. در این خصوص جلسات متعددی با آبربان و معتمدین روستاهای تحت پوشش کانال L2 تشکیل و فواید تاسیس تعاونی‌ها برای آنان تبیین شد و پس از جلب موافقت آنان در هر روستا یک تعاونی آبیاری تشکیل و از به هم پیوستن این تعاونی‌ها «اتحادیه شرکت‌های تعاونی آبیاری کانال L2 قزوین» ایجاد و شروع به کار کرد. به دنبال ایجاد شرکت‌های تعاونی آبیاری کانال L2 و اتحادیه مربوطه، جلسات متعددی با حضور مسئولین شرکت بهره‌برداری، سازمان جهاد کشاورزی، نماینده مشاور و نمایندگان شرکت‌های تعاونی و اتحادیه، در محل دفتر اتحادیه تشکیل و در خصوص گردش کار و وظایف و نحوه ارتباط تعاونی‌ها و اتحادیه با سازمان جهاد کشاورزی و شرکت بهره‌برداری شبکه بحث و تبادل نظر گردید. پس از آن صورتجلسه تحویل کانال L2 و کانال‌های فرعی آن به اتحادیه و دستورالعمل اجرائی گردش کار تعاونی‌ها و اتحادیه تهیه و تصویب گردید. بر اساس مفاد دستورالعمل مزبور، تعاونی‌ها و اتحادیه ملزم به جمع‌آوری طرح‌های کشت، عقد قرارداد با شرکت بهره‌برداری، استخدام میراب محلی، خرید و توزیع آب در کانال L2، جوابگویی به کشاورزان، برخورد با متخلفین و لایروبی و نگهداری کانال‌ها گردیدند.



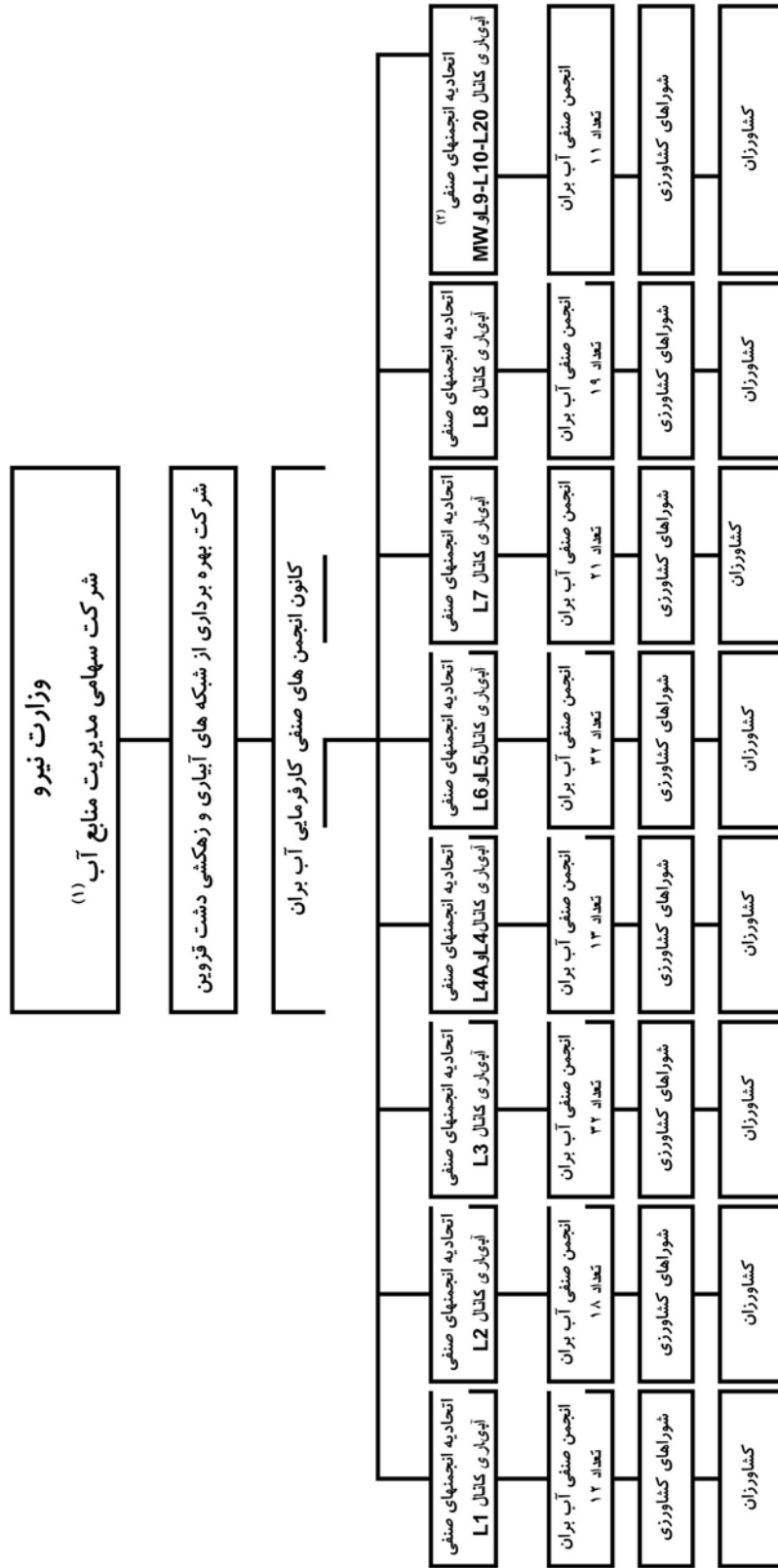
این تشکل‌ها در سال‌های ۷۹ و ۸۰ با شرکت بهره‌برداری همکاری داشتند و ضمن معرفی میراب، مسئولیت توزیع آب کانال L2 رابه عهده گرفته و دفتر محلی فروش آب کانال مزبور را نیز تأسیس نمودند. متأسفانه شرکت‌های تعاونی آبیاری و اتحادیه کانال L2 در رسیدن به هدف‌های موردنظر ناکام ماندند و تا پایان سال ۸۰ فعالیت آنها متوقف گردید. برخی از دلایل توقف فعالیت آنها به شرح زیر است:

- نداشتن جایگاه قانونی مناسب و عدم واگذاری وظائف و مسئولیت‌های مشخص از سوی سازمان‌های دولتی به آنان؛
- عدم وجود منابع مالی کافی و نداشتن انگیزه؛
- تقسیم سهام تعاونی‌ها بصورت مساوی بین کشاورزان و نارضایتی مالکین دارای اراضی بزرگتر؛
- عدم وجود سد مخزنی و آب مطمئن و وقوع خشکسالی، همزمان با شروع کار تعاونی‌ها؛
- عدم حمایت و پشتیبانی مؤثر نهادهای دولتی ذیربط (سازمان آب منطقه‌ای، وزارت نیرو و جهادکشاورزی).

از اواسط سال ۱۳۸۱ اقدامات جدیدی به منظور ایجاد تشکل‌های آبران در شبکه آبیاری قزوین صورت گرفت. نتیجه این اقدامات که تا سال ۱۳۸۴ به طول انجامید به شرح زیر است:

- ۱۵۸ انجمن صنفی آبران متشکل از کشاورزانی که اراضی آنها تحت آبخور یک کانال درجه ۳ است، تشکیل شده است.
  - ۸ اتحادیه تشکل‌های آبران متشکل از انجمن‌هایی که اراضی آنها تحت آبخور یک کانال درجه ۲ می‌باشد، تأسیس گردیده است.
  - کانون انجمن‌های صنفی آبران متشکل از کلیه اتحادیه‌ها و به تبع آن انجمن‌های صنفی آبران تشکیل و در محدوده اداری شرکت بهره‌برداری از شبکه آبیاری دشت قزوین مستقر شده است.
- انجمن‌های صنفی آبران و کانون مربوطه در چارچوب آئین‌نامه مرتبط با ماده ۱۳۱ قانون کار به ثبت رسیده‌اند، اما اتحادیه‌ها تاکنون ثبت نشده‌اند. اتحادیه‌های انجمن‌های صنفی آبران به تعداد ۸ تشکل در مجموعه کانال‌های درجه ۲ منشعب از کانال اصلی زیرنظر کانون انجام وظیفه نموده و وظیفه اصلی آنها جمع‌آوری تقاضاهای آب کشاورزی از انجمن‌ها و انعکاس آن به کانون جهت خرید حجمی آب می‌باشد. ساختار تشکیلاتی تشکل‌های آبران شبکه آبیاری قزوین در نمودار شماره (۱) ارائه شده است.

**نمودار شماره (۱): جایگاه تشکل های موجود در شبکه آبیاری دشت قزوین  
در سال ۱۳۸۴ (غیر مصوب)**



۱- در سال ۱۳۸۴ شرکت سهامی مدیریت منابع آب، اختیارات و مسئولیت های خود را به شرکت سهامی آب منطقه ای تهران واگذار کرده است.  
۲- اتحادیه ها تاکنون به ثبت نرسیده اند، لذا به لحاظ اجرایی انجمن ها زیر نظر اتحادیه ها عمل می کنند، اما به لحاظ قانونی زیر مجموعه کانون محسوب می گردند.

در سنوات اخیر مطالعات بازننگری شبکه آبیاری قزوین توسط مشاور انجام گردیده، همچنین طی یک طرح تحقیقاتی تشکل‌های موجود ارزیابی و برنامه ۵ ساله‌ای به منظور ارتقای آنان و واگذاری شبکه به تشکل‌ها تدوین گردیده است.

شرکت بهره‌برداری قزوین در سال ۸۳-۱۳۸۲ با ۱۵۸ انجمن صنفی قرارداد بهره‌برداری و توزیع آب منعقد نموده است. در سال ۸۴-۱۳۸۳ طرف قرارداد، اتحادیه‌های تشکل‌های آب‌بران و در سال ۸۵-۱۳۸۴ کانون انجمن‌های صنفی آب‌بران بوده است.

## ۷- تحلیل موانع و مشکلات قانونی در شکل‌گیری و پایداری تشکل‌های آب‌بران

به طوری که ذکر گردید روند تاریخی وضع قوانین آب نشان می‌دهد که بتدریج از اختیارات کشاورزان کاسته شده و به مسئولیت‌های دولت افزوده شده است. قدیمی‌ترین قوانین مرتبط با منابع آب در قالب موادی از قانون مدنی مطرح شده که اصل را بر مالکیت عمومی منابع آب قرار داده و آن را از مشترکات عمومی تعریف کرده است. بر این اساس هر کس می‌توانست در اراضی مباح از نهر یا رودخانه جویی منشعب و از آن بهره‌برداری نماید و دولت یا حکومت نظارت یا مالکیتی بر منابع آبی از هر قبیل نداشته است.

با تصویب قانون تأسیس بنگاه آبیاری دخالت‌های دولت در امور آب بیشتر می‌شود، بطوری که صدور مجوز و احداث تأسیسات آبی بر عهده دولت واگذار می‌گردد و برای اولین بار امکان فروش آب در قانون پیش‌بینی می‌شود؛ همچنین حسب ماده (۱۰) این قانون نظارت بر کلیه امور آبیاری کشور از قبیل تأسیسات آبیاری، ساختمان‌ها، تقسیم آب رودخانه‌ها و انهار عمومی و بهره‌برداری از تأسیسات دولتی نیز بر عهده بنگاه آبیاری واگذار می‌شود.

براساس ماده (۱) قانون توزیع عادلانه آب مستند بر ماده (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آب از مشترکات بوده و در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران است (مالکیت عمومی و ملی آب) و تأمین و تخصیص آن بر عهده وزارت نیروست، به عبارت دیگر چنانچه بنگاه خصوصی آب را تأمین و تنظیم نماید، برابر قانون اجازه فروش آن را ندارد. براساس ماده (۳۳) همین قانون تعیین آب بها بر عهده وزارت نیرو است. حسب قانون فوق‌الاشعار، قانونگذار برای تشکل‌های کشاورزی، در مشارکت تأسیسات آبی، از جمله تأمین، تنظیم، بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات جایگاهی قائل نشده است. در این قانون آمده است «مسئولیت حفظ، اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از منابع آب به دولت محول می‌شود» و به ازای این خدمات، حسب قانون تثبیت آب بهای زراعی به دولت اجازه داده شده است برای شبکه‌های مدرن ۳ درصد، شبکه‌های تلفیقی ۲ درصد و کانال‌های سنتی با آب تنظیم شده ۱ درصد از بهای محصولات کشت شده را به عنوان آب بهاء وصول نماید؛ لذا قانونگذار در تعیین آب بهای زراعی نقشی برای بخش خصوصی (تشکل‌های آب‌بران) قائل نشده است.

براساس مواد (۵۱) و (۲۲) قانون توزیع عادلانه آب، اجرای آئین‌نامه مصرف بهینه آب کشاورزی برعهده وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو می‌باشد. تبصره ماده (۲۹) همان قانون ایجاد شبکه‌های آبیاری درجه ۳ و ۴ و انتقال و توزیع آب در این شبکه‌ها را برعهده وزارت جهاد کشاورزی نهاده است؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که مجموعه فعالیت‌های صنعت آب از تأمین تا تنظیم و توزیع و تعیین آب بها و... در مجموع بر عهده دولت است و تشکلهای آبران نقشی در آن ندارند.

حسب ماده (۵) آئین‌نامه مصرف بهینه آب کشاورزی، وزارت نیرو مکلف شده ضمن همکاری با وزارت جهاد کشاورزی در جهت ایجاد تشکلهای آبیاری، نسبت به تحویل حجمی آب، تنها به تشکلهای بهره‌برداری معرفی شده از طرف وزارت جهاد کشاورزی اقدام نماید. در این آئین‌نامه نیز هدف از تشکیل تشکلهای آبیاری را تحویل حجمی آب به آنان اعلام کرده و مشارکت آنان را در امور بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری مطرح ننموده است.

سوابق و مدارک مرتبط نشان می‌دهد که مکاتبات زیادی جهت ثبت تشکلهای آب بران قزوین به صورت تعاونی یا شرکتهای سهامی خاص بعمل آمده اما در این زمینه توفیقی حاصل نگردیده است. ایجاد تشکلهای موجود (انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و کانون) در قوانین وزارت تعاون و وزارت جهاد کشاورزی پیش‌بینی نشده است. اداره کل تعاون بدلیل اشکالات وارده از ثبت آنها خودداری کرده و مغایرت‌های اساسنامه پیشنهادی از طرف شرکت بهره‌برداری با قانون تعاون را اعلام می‌دارد؛ لذا انجمن‌ها و کانون انجمن‌های صنفی آبران در چارچوب آئین‌نامه مرتبط با ماده ۱۳۱ قانون کار به ثبت رسیده‌اند. اصولاً مفاد آئین‌نامه فوق‌الذکر جهت فعالیت‌های صنفی تنظیم شده و برای فعالیت‌های تولیدی و خدماتی مناسب نمی‌باشد، از جمله این تشکلهای اصولاً دارای مدیر عامل به عنوان مقام اجرایی نیستند، همچنین بحثی از سهام و سهامداران و حدود اختیارات آنها در اساسنامه به میان نیامده است، در صورتی که روشن شدن میزان سهام کشاورزان که معمولاً متناسب با اراضی در مالکیت و تصرف آنهاست در تشکلهای کشاورزی لازم به نظر می‌رسد.

در قوانین وزارت کار و امور اجتماعی ایجاد تشکلهای صنفی و کانون استانی و کانون عالی برای ایجاد تشکلهای کارگری و کارفرمایی پیش‌بینی گردیده است. در این قانون نامی از اتحادیه انجمن‌های صنفی به میان نیامده و جایگاهی برای چنین تشکلی پیش‌بینی نشده است. در قانون کار تصریح شده است که انجمن‌های صنفی مخصوص مراکز کارگری است و برای شاغلان بخش کشاورزی مصداق ندارد.

تعداد ۱۲۰ پرونده اشتراک آب مرتبط با انجمن‌های صنفی آبران شبکه آبیاری قزوین جهت صدور پروانه بهره‌برداری به سازمان‌های کشاورزی و امور آب استان ارسال گردیده، اما تاکنون پروانه بهره‌برداری برای هیچکدام از انجمن‌ها صادر نگردیده است. چنانچه در نظر باشد پروانه بهره‌برداری بنام انجمن‌ها صادر شود، لازم است کشاورزان کلیه اراضی خود را بنام انجمن انتقال دهند، در غیر اینصورت پروانه بنام «کلیه کشاورزان ذینفع» صادر شده و انجمن، نماینده کشاورزان جهت تحویل آب خواهد بود. یادآوری

می‌نماید که بر اساس ماده ۲۷ قانون توزیع عادلانه آب، آب به تبع زمین است، لذا انجمن‌ها واحدی حقوقی شناخته می‌شوند که فاقد آب و زمین بوده و پروانه بهره‌برداری نمی‌تواند بنام آنها صادر شود. یکی از نگرانی‌های کشاورزان و تشکل‌های آب بران پرداخت حق اشتراک آب کشاورزی است. این موضوع در آئین‌نامه عملیاتی واگذاری اشتراک آب که از طرف وزیر نیرو در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۰ به شرکت‌های آب منطقه‌ای جهت اجرا ابلاغ شده، لحاظ گردیده است که متأسفانه بین کشاورزان و تشکل‌های آبیاری تبعات منفی داشته و روند شکل‌گیری این تشکل‌ها را باکندی مواجه ساخته است، چرا که اغلب کشاورزان در ارتباط با پرداخت مبلغی به عنوان هزینه اشتراک توجیه نیستند.

## ۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تاکنون مشارکت جدی کشاورزان در تشکل‌های آبیاری از جایگاه قانونی برخوردار نبوده است، لذا تعهدات طرفین (دولت و بخش خصوصی) محدود به قرارداد فی‌مابین با لحاظ نمودن محدودیت‌های قانونی و حقوقی می‌باشد.

مشکلات ناشی از روشن نبودن جایگاه قانونی و حقوقی تشکل‌ها، هم برای سازمان‌های دولتی و هم برای کشاورزان مسئله‌ساز بوده است؛ از آن جمله در تشکل‌های آب‌بران قزوین می‌توان از به رسمیت شناخته نشدن آنها توسط دستگاه‌های دولتی از جمله اداره کل تعاون، اداره کل ثبت اسناد استان، عدم امکان صدور سند آب به نام تشکل‌های مذکور و نبودن زمینه‌های قانونی برای حمایت‌های اداری، فنی، حقوقی و مالی از تشکل‌ها نام برد. در حال حاضر این تشکل‌ها فقط از طرف شرکت بهره‌برداری حمایت می‌شوند.

کشاورزان انتظار دارند حسب قدرالسهم خود به عنوان اعضای مسئول در تصمیم‌گیری و مدیریت آبیاری شبکه‌ها نقش داشته باشند، لذا واگذاری سهام شرکت‌های آبیاری موجود به کشاورزان ذینفع عملاً زمینه دخالت قانونی تشکل‌های آب‌بران و مشارکت جدی آنان را در پی خواهد داشت. لازم به ذکر است که بر اساس ماده ۵ توافق‌نامه مورخ ۱۳۷۰/۵/۲۲ وزرای نیرو، کشاورزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه وقت مقرر گردیده که ۵۱ درصد سهام شرکت‌های بهره‌برداری به تشکل‌های آب‌بران به عنوان نمایندگان حقوقی و قانونی کشاورزان واگذار گردد. با انتقال این سهام حسب قانون تجارت، کشاورزان از طریق نمایندگان قانونی خود در مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه آبیاری قزوین مشارکت خواهند داشت. مطالعات و تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که کشاورزان شبکه آبیاری قزوین در شرایط فعلی آمادگی لازم را جهت مشارکت با دولت در اداره شرکت بهره‌برداری دارند. با این کار زمینه لازم جهت واگذاری بقیه سهام شرکت بهره‌برداری (۴۹ درصد سهام دولت) نیز فراهم خواهد شد. بدین ترتیب با سپردن مجموعه شبکه آبیاری و مدیریت توزیع و بهره‌برداری آب به کشاورزان، دخالت شرکت‌های وابسته به دولت به حداقل (مشارکت و نظارت بر حسن انجام کار) خواهد رسید.

اکنون که ایجاد واحدهای مشارکتی و صنفی به عنوان یک باور و اعتقاد در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی هم از جانب دولت (قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حداقل در ده ماده و

تبصره به تجهیز و گسترش تشکل‌های مردمی و واگذاری فعالیت‌ها به مردم و بهره‌گیری از مشارکت مردم بطور عام و حداقل در دو مورد به گسترش و تقویت و توانمندسازی تشکل‌های صنفی و تخصصی در بخش کشاورزی اشاره نموده است) و هم از جانب مردم پذیرفته شده است، همچنین فضای سیاسی نیز برای شکل‌گیری این تشکل‌ها وجود دارد، لازم است موضوع تهیه و تدوین نظام‌های صنفی کارهای کشاورزی مندرج در ماده ۳۵ ذیل فصل چهارم قانون سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی مصوب تیر ماه ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی با جدیت دنبال شود. در ماده مزبور آمده است:

«وزیر جهاد کشاورزی از تاریخ ابلاغ این قانون به عضویت هیأت عالی نظارت، موضوع ماده ۵۲ قانون نظام صنفی در خواهد آمد. وزارت کشاورزی با هماهنگی دبیرخانه هیأت عالی نظارت، حداکثر شش ماه از تاریخ تصویب این قانون، نظام صنفی کارهای کشاورزی را برابر قانون نظام صنفی تهیه و جهت تصویب به هیأت وزیران پیشنهاد می‌نماید».

در این باره بمنظور:

- تحقق ماده ۳۵ قانون سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی؛
  - اهمیت نقش برجسته تشکل‌های صنفی بخش کشاورزی در ارتقاء کیفیت شغلی و اجتماعی تولیدکنندگان و بهره‌برداران و شاغلین زیر بخش‌های وابسته به کشاورزی؛
  - ارتقاء محصول تولیدی از لحاظ کمی و کیفی؛
  - تحقق سیاست‌های دولت در بهبود کیفیت زندگی شاغلین بخش کشاورزی؛
  - لزوم بسط و توسعه جامعه مدنی در سطح روستاها؛
  - ایجاد ظرفیت لازم برای تصدی‌های غیر حاکمیتی به مردم مناطق روستایی؛
- دفتر توسعه تشکل‌های بخش کشاورزی در نظر دارد نظام صنفی کارهای کشاورزی را تدوین و جهت تصویب به هیأت وزیران پیشنهاد دهد؛ که در آن صورت محدودیت فعالیت تشکل‌های کشاورزی و آبربران در قالب صنف برداشته شده و این تشکل‌ها از جایگاه قانونی برخوردار خواهند شد.
- موانع متعددی در کشور ما در ارتباط با انتقال مالکیت شبکه‌های آبیاری و زهکشی به تشکل‌های آبربران وجود دارد از جمله این موانع عدم تمایل کشاورزان و تصدی‌گری دولت در بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری می‌باشد؛ اما اصولاً واگذاری شبکه‌های آبیاری مستلزم داشتن زمینه قانونی است که متأسفانه نه در قانون توزیع عادلانه آب و نه در آئین‌نامه‌های مرتبط با آن بحثی از انتقال مالکیت شبکه‌های آبیاری به بخش خصوصی نشده است، در صورتی که واگذاری مدیریت آبیاری به بخش غیر دولتی وقتی کامل است که توأم با واگذاری مالکیت شبکه‌های آبیاری و زهکشی باشد؛ لذا انتظار می‌رود در فرآیند واگذاری مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه آبیاری دشت قزوین، پیشنهادات و اصلاحات قانونی در زمینه این انتقال در سال‌های اولیه برنامه ۵ ساله توسط گروه هدایت‌کننده به عمل آمده، مواد قانونی مورد نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. براساس بررسی‌های انجام شده در شرایط حاضر حداقل ۵۰ درصد تشکل‌ها با انتقال مالکیت شبکه آبیاری قزوین به آنان موافق نیستند و ۵۰ درصد دیگر به

طور مشروط موافقت دارند، اما همین نظرسنجی و مذاکرات به عمل آمده نشان می‌دهد که زمینه لازم برای این انتقال وجود دارد، همچنین پیش‌بینی می‌شود با واگذاری تدریجی مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه در سال‌های اول تا پنجم و ملموس شدن منافع ناشی از آن و کم رنگ شدن نقش دولت در این خصوص، تشکل‌های آبران انگیزه لازم را جهت انتقال شبکه آبیاری قزوین به تدریج پیدا خواهند کرد. در این خصوص لازم است آموزش‌های مورد نیاز به تشکل‌های آب بران داده شود و ارزیابی و قیمت‌گذاری شبکه جهت واگذاری به کشاورزان به عمل آید.

### منابع مورد استفاده:

- ۱- راهکارهای انتقال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی به تشکل‌های خصوصی (پایلوت شبکه آبیاری دشت قزوین)، شرکت سهامی مدیریت منابع آب، معاونت پژوهش و مطالعات پایه، مؤسسه تحقیقات و پژوهش علوم اندیشه، مرداد ۱۳۸۵.
- ۲- گوهران کویر، مجموعه مقالات اولین همایش بررسی مشکلات شبکه‌های آبیاری و زهکشی و مصرف بهینه آب کشاورزی، ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۸۳.
- ۳- مجموعه قوانین، تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های آب، برق و آب و فاضلاب، جلد‌های ۱ و ۲ و ۳، دفتر حقوقی وزارت نیرو.
- ۴- مطالعات نظام بهره‌برداری و مشارکت مردمی در کانال L2 شبکه آبیاری دشت قزوین، گزارش مرحله اجرایی، مهندسین مشاور آب و توسعه پایدار، مهر ماه ۱۳۷۸.
- ۵- قانون برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- پورزند، احمد، راهکارهای عملی برای ایجاد تشکل‌های آبران و مشارکت آنها در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، شرکت سهامی مدیریت منابع آب ایران، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۳.
- ۷- مدنیان، غلامرضا. مالکیت منابع آبی، مجموعه مقالات اولین همایش بررسی مشکلات شبکه‌های آبیاری و زهکشی و مصرف بهینه آب کشاورزی تحت عنوان گوهران کویر، ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۸۳.
- ۸- تجارب جهانی مشارکت کشاورزان در مدیریت آبیاری، کمیته ملی آبیاری و زهکشی، ۱۳۷۷.
- ۹- رهنمودهای انتقال مدیریت خدمات آبیاری، کمیته ملی آبیاری و زهکشی، ۱۳۸۱.
- ۱۰- آئین‌نامه مصرف بهینه آب کشاورزی، وزارت نیرو، معاونت امور آب، ۱۳۷۵.
- ۱۱- اساسنامه انجمن صنفی کارفرمایی آبیاری استان قزوین.
- ۱۲- مطالعات بازنگری شبکه آبیاری و زهکشی دشت قزوین، جلد‌های ششم، هفتم و هشتم، مهندسین مشاور پندام، اسفند ۱۳۸۴.

